



مرکز ملی تحقیقات آموزشی
انجمن ملی توسعه و برنامه‌ریزی آموزشی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

رویدادها

- نقش خانواده‌ها در جلوگیری
از انحرافات جوانان
چگونگی روابط خانه و
مدرسه
مطبوعات چه سینویسند؟
- » ۷۴
- » ۸۱
- » ۸۳

نقش خانواده در جلوگیری

از انحرافات اجتماعی و سیاسی جوانان

ساعت پنج و نیم بعد از ظهر روز چهارشنبه ، بیست و سوم مهرماه ، دومین جلسه سبزگرد اولیا و مربیان بمنظور بحث پیرامون «نقش خانواده‌ها در جلوگیری از انحرافات سیاسی و اجتماعی جوانان» در محل مرکزی جمعیت اولیا و مربیان ایران تشکیل شد .

در این جلسه که با حضور آقای فتح الله معتمدی عضو هیات مدیره انجمن ملی اولیا و مربیان تشکیل گردید ، شرکت کنندگان بترتیب حروف الفبا عبارت بودند از بانوان و آقایان : احمد بیرشک - ناهید ایران پزشکی - صدیقه سادات رسولی (روشنک) - کریم شایسته - فاطمه طاهری - مسلم عظیمی - محمد مهدی مدنی - ضیاءالدین میرهاشمی - یدالله یزدانیان - سرهنک یزدان‌ستا .

در آغاز جلسه آقای فتح الله معتمدی ، پس از تشکر از حضور خانمها و آقایان در جلسه اظهار داشتند :

« شاید کمتر خانواده‌یی باشد که در آن جوانانی بالاتر از بلوغ باشند و در آنها میل و رغبت شرکت در مسائل اجتماعی و سیاسی وجود نداشته باشد . اما اگر پدر و مادر به این مسأله سهم توجه داشته و هوشیار باشند ، به سهولت میتوانند اینگونه جوانان را به مسیری سوق دهند که برای اجتماع و مملکتشان مفید ، و فعالیت‌های آنها ثمربخش و سازنده باشد . اما اگر خدای نا کرده غفلت ورزند ، ممکنست سرایشیب سقوط در پیش پایشان باشد و موجب ناراحتی خود ، اجتماع و خانواده را فراهم سازند .

در جلسه گذشته ، پیرامون این مسأله گفتگوهائی صورت گرفت ، و راههائی مطرح شد ، و اکنون بحث گذشته را ادامه می‌دهیم تا انشاءالله گفتگوهای ما راه‌گشائی باشد که جوانان از نیروی فکری و بدنی خود ، استفاده بیشتری به سازندگی و خدمت به مملکتشان ببخشند .

به‌عنوان مقدمه در این باره باید بگویم مسائلی که جوانان ما را ، بخصوص در خارج از کشور ، به انحراف می‌کشاند ، لازمست از دید خانواده‌ها مکتوم نماند . متأسفانه گاه جوانانی

به خارج اعزام می‌شوند که خود و محیطشان را هنوز نشناخته‌اند و عوامل فریبنده و ناسطمن هم‌گام پیدا می‌شوند که آنها را منحرف می‌کنند. و ناگهان متوجه می‌شویم جوان را برای درس خواندن فرستاده‌ایم، منحرف شده و دچار مشکلات ناراحت‌کننده‌ی گردیده است، که برخلاف نیت ما، به درد اجتماع نمی‌خورد، گرچه این گروه اقلیت بسیار کوچکی هستند، لکن به‌رحال، لازمست پدران و مادران، متوجه باشند فرزندشان چه در خارج از کشور بسر می‌برد و چه در داخل مملکت، با آنان دوست و صمیمی باشند و راه صحیح را به آنان نشان دهند، زیرا که من اعتقاد دارم ما می‌توانیم با شواهد زنده‌ی که به آنان نشان دهیم، در افکار آنان بطور روشن و منطقی رسوخ کنیم.

اکنون از خانمها و آقایان حاضر در جلسه می‌خواهم نظرات خود را بیان کنند.

آقای مسلم عظیمی - لازمست این نکته را، پدران و مادران بدانند که چنانچه با فرزندان خود یگانه و صمیمی نباشند، فرزندان آنها کارهای خلاف خود را پنهانی و با روش منطبق با سنشان انجام میدهند. بنابراین باید با روش صحیح و تعلیمات دوستانه آنان را هدایت کنند. باید به پدران و مادران هشدار داد که جوانان امروز نیز از جوانان دیروز هستند و لازمست با فرزندان خود بطریقه‌ی غیر از دیروز، روبرو شد. همچنین پدران و مادران باید به این نکته مهم آگاهی داشته باشند که اگر با روش صحیح و صمیمیت با فرزندانشان روبرو نگردند، شکاف موجود بین آنها بسرعت عمیق‌تر خواهد شد. و البته باید دانست روشی که در اینمورد انتخاب میشود باید روشی مخصوص به کشورمان باشد، و روش کشورهای دیگر مانند آمریکا یا دانمارک در کشورما عملی نیست. برای درک مطالب فرزندان باید با آنها بزبان خودشان گفتگو کرد و گاه میتوان بوسیله دوستانشان آنها را راهنما شد. هرگاه بدینی جوانان نسبت به پدران و مادران از این نرود انحرافات گوناگون آنان روز بروز افزایش خواهد یافت. باید توجه داشته باشیم که آنها کارها و نظرات ما را قبول ندارند. پس لازمست به آنها تفهیم کنیم که صد در صد مخالف نظرات آنان نیستیم و در اینصورت تفاهم و تبادل نظر امکان‌پذیر است.

دراثر انحراف و تفریط، پدران و مادران اگر راه صحیحی هم پیشنهاد نمایند، جوانان قبول نمی‌کنند، چون مثلاً پسران را آزاد می‌گذارند، و دختران را زندانی می‌کنند. در نحوه پرورش باید تبعیضی بین جوانان خود قائل نشویم و بطرق مختلف مطالب آنان را درک کنیم. ابتدا کارهای صحیح آنها را تأیید کنیم و قسمتی که بنظرمان خلاف می‌آید، با نرمی و روش صحیح به آنان تفهیم کنیم.

یکی از سهم‌ترین مسائلی که ما همیشه با آن روبرو هستیم اوقات فراغت و تفریح جوانان است. آیا آزاد گذاشتن آنان به رفتن تریاها و دیدن فیلمهای خلاف اخلاق، بخصوص در ساعات درس جوانان ما را به انحراف نمی‌کشاند؟ ... بینیم معاشرت پسران و دختران تا چه میزان باید آزاد باشد، و آیا آزاد گذاشتن آنها برای شرکت در پارتی‌ها، نتایج تلخی ببار نمی‌آورد؟ ... بدیهیست با ایجاد محل‌های مناسب برای تفریحات سالم، می‌توانیم اوقات بیکاری جوانان را بطریقی صحیح پرکنیم، و از انحرافات سیاسی و اجتماعی آنان جلوگیری نمائیم.

خانم ناهید ایران پزشکی - من در مورد دستور جلسه ، بیشتر روی انحرافات سیاسی جوانان مطالعه کرده‌ام ، که معتقدم بسیار مهم است . تصور می‌کنم ، نقش برادر ، خواهر و دوستان بزرگتر در این مورد مهم است . جوان خاصیت قهرمان‌پروری دارد ، و چون کارهای برادر بزرگتر را نمی‌تواند انجام دهد ، در مسائل دیگر سعی میکند خودنمایی کند . بنظر من دولت . و پدرها و مادرها ، لازم است به فرزندان کوچکتر توجه داشته باشند ، و البته دوستان جوانان را هم نباید فراموش کرد .

خطری که در مورد انحرافات سیاسی برای بچه‌ها پیدا می‌شود، دو تاست : ۱- بی‌خبری ۲- تعصب کورکورانه و خشک .

بی‌خبری ، یکی اینکه پدر یا مادر نمیداند فرزندش در چه زمینه مطالعه می‌کند ، در حالیکه خانواده باید در همه زمینه‌ها با فرزندش دوست باشد و نظرات صحیح را به او تفهیم کند .

موضوع دیگر تعصب بدون توجیه و تفهیم و توضیح است ، که موجب برگشت و نوعی «رفلکس» شدید فرزند خانواده میشود . بنظر من در مسائل سیاسی هم باید جوانان را تفهیم کرد تا منحرف نشوند .

اما درباره بچه‌هایی که به خارج می‌روند ، مسائل گوناگونی را باید مورد نظر داشت . یکی اینکه در سینی جوانان را بخارج می‌فرستند ، که آمادگی انحراف اجتماعی و سیاسی دارند و خدای ناکرده بدامان منحرفین می‌افتند . از طرفی ، لازم است این جوانان که در خارج هستند ، پیوسته در جریان رویدادهای درخشان و پیشرفت‌های کشورشان باشند . مجلات و روزنامه‌های ایرانی در اختیارشان قرار گیرد تا آگه باشند که چه پیشرفت‌ها در همه زمینه‌ها نصیب شده است .

آقای ضیاءالدین میرهاشمی - مطالبی که می‌گویم چیزی نیست جز یک پایه‌گذاری جامع ، که از بدو زندگی هر نو نهالی شروع می‌شود . ما باید از کودکی پایه‌ریزی کنیم ، گرچه بنظر میرسد وزارت آموزش و پرورش هم در این فکر هست . مسلم اینست که بچه از آغاز با سیاست آشناست ، و این سیاست را

در مورد غذا ، بازی و رسیدن به تمنیاتش مشاهده میکنیم . و در این زمان ، یعنی از همان کودکی پدر و مادر میبایست آموزش و پرورش را با هم اعمال کند . اولیاء باید به نیازهای بچه‌ها از جهات فردی و اجتماعی توجه داشته باشند ، همین امر لازم میدارد که پدر و مادرها با مسائل و وظیفه خود آشنا باشند . البته شاید اگر ما الان بخواهیم به پدر و مادرها آموزش بدهیم ، مشکل باشد ، اما پرورش جوانان ساده است . من معتقدم باید به بچه‌ها آزادی اسکان بدهیم که مکاتب را بشناسند و مقایسه کنند . یک فرزند ، پدر خود را هر طوطی که هست ، دوست دارد ، و اگر کشور و سیاستمان را برای بچه‌ها آنگهان که لازمست توجیه کنیم ، او با آشنائی با تمام مکاتب ، مسلماً به کشورش ایمان خواهد داشت . واقعیت اینست که اگر ما همانقدر که بخودمان میرسیم ، به فرزندان هم توجه داشته باشیم ، ادای دین کرده‌ایم . شاید بسیج انجمن‌هایی مانند انجمن ملی اولیا و مربیان هم برای آگاهی پدران و

مادران تأثیر بسیار خوبی داشته باشد. به پدران و مادران بیاموزیم که باید برای بچه هاشان وقت صرف کنند. باید بچه ها را بنیادی آموزش داد. حتی بازیهای آنها را میتوان برای ارضای خواسته های وطن فرم داد. اگر به بچه بجای عروسک دوزی، بگوئیم پرچم کشورمان را بدوز، و در مقابل او را تشویق کنیم، مسلماً او پرچم خواهد دوخت. و یا بهمین ترتیب اگر نقاشی میکند، بگوئیم برفراز اتاق پرچم کشورمان را نقاشی کن، پرچم میکشد. بهرحال، لازمست ما بیشتر تعلیم سیاسی بدهیم که در لابلای آن تولید تعصب و عرق خاصی برای او نسبت به وطن موجب شود، صاحب عقیده شود و از عقیده خود دفاع کند. باید از کودکی این کارها را کرد تا نونوال ما، درخت کجی نشود که مشکل بتوان آنرا راست کرد. پس از اول باید بفکر بچه ها بود که وقتی بزرگ شدند نهالهای شکل گرفته باشند، و کسی نتواند آنها را تغییر دهد.

آقای محمد مهدی مدنی - متأسفانه جامعه ما آنگونه که باید، فکر سیاسی ندارد. و اگر خدای ناکرده جوانی منحرف میشود، دلیلش عدم آگاهی و مطالعه نکردن، و پایبند نبودن به اخلاقیات است. بنظر من وسایل ارتباط جمعی لازمست در اینباره اقدام کنند. با جوانها باصراحت و روشن صحبت و آنها را راهنمایی کنند. اگر جوان در محیط خودش راستی، درستی و صداقت را به بیند، و نقاط ضعف را هم چنانچه موجود باشد، برای او بگویند، منحرف نخواهد شد.

حتی همانطور که گفتیم اگر ضعفی وجود داشت باید با آنها در میان بگذاریم که بدانند به این نقاط ضعف هم آگاهی داریم، اما خود آنها و ما وظیفه داریم که این نقائص را رفع کنیم.

آقای احمد پیرشک - بنظر من، در جامعه ای هر قدر خانواده ها آسودگی کمتر و اطلاع کمتر از امور سیاسی و اجتماعی داشته باشند، این مطالب قوی تر و شدیدتر است. پدران و مادرانی که هنوز خودشان اطلاع کافی ندارند، چگونه میتوانند بروی فرزندانشان تأثیر بگذارند؟ پس من معتقدم در جامعه ما، خانواده تأثیر زیادی روی فرزندان ندارد، بلکه بیشتر دوستان مؤثرند. عامل اصلی در راهنمایی مردم، دولت است که باید راهی برای ارشاد خانواده ها و بچه باز کند. راهش هم مدرسه است، و لازمست علاوه بر این دروسی که تدریس میشود، به مطالب اجتماعی که بهتر و لازم تر هم هست، توجه شود. در دوره راهنمایی، برای مطالب اجتماعی در هفته دو ساعت گذاشته اند، و این دو ساعت کم است. پدر و مادرها به فرزندان علاقه دارند، اما قدرت تأثیر بر آنها را ندارند، زیرا هم اطلاع کافی در این مورد، و هم تسلط بر فرزند ندارند. پس دولت را باید توجه داد که به اسر آموزش و پرورش توجه کند. البته نقش رسانه های گروهی مطلبی است که بر هیچکس پوشیده نیست. دولت باید برای آموختن مطالب سیاسی و اجتماعی برنامه ای داشته باشد. باید حتی این را گفت که دولت ها، نهایت آمال و آرزوشان اینست که همه ملت در کمال راحتی و آسودگی و ایده آل زندگی کنند، اما گاه وسایل کافی فراهم نمی شود. بهر حال بنظر من نقش خانواده در درجه دوم است.

آقای ضیاءالدین میرهاشمی - خوشبختانه همه میدانیم که ما در مملکت‌مان پیشرفتهای وسیعی در همه زمینه‌ها داشته‌ایم ، که این خود مایه امیدواربست ، و اینها را میتوان برای فرزندان تشریح کرده اینکه مشاهده می‌کنیم مردم در انتخابات گوناگون ، مثل مجلسین ، شهرداری‌ها ، انجمن‌های شهرستان شرکت می‌کنند ، خود دلیل آموزش اجتماعی است .

آقای یداله پزدانیان - مسأله‌بی که ما درباره آن بحث می‌کنیم ، اگر از نظر ریاضی بگوئیم ، یک مسأله چند مجهولی است . اگر ما نتوانیم با معلومات مسأله روبرو شویم ، قابل حل نیست . خوشبختانه نگرانی نبایسد داشت . چون ، شاخه‌های فرم گرفته هستیم ، و آنقدر هم گامهای سریع بطرف پیشرفت برداشته‌ایم که واقعاً حتی نمیتوانیم از همه این پیشرفتها آگاه باشیم . من با آقای بیرشک موافقم که کمتر به پدران و مادران بپردازیم ، بلکه بهتر است بیشتر به بچه‌ها پرداخته شود که هنوز فرم نگرفته‌اند . معلمین باید در مدارس به بچه‌ها ، آنهم صادقانه و با ملایمت صحبت کنند و بیاموزند . به پدر و مادرها هم باید بگوئیم که ضعف خود را با خشونت جبران نکنند . بچه‌ها پدر و مادرها را می‌بینند و دوستانشان را ، آنوقت می‌خواهند غوره نشده ، مویز شوند . اما کاری که فعلاً میتوانیم انجام دهیم ، یکی انتشار کتاب در این زمینه‌هاست . نیز از انجمن بخواهیم پیشنهاد کند که بچه‌ها را در مدارس تعلیم دهند و به بچه‌ها در مدارس میدان دهیم که پرسشهای خود را مطرح کنند و جواب بشتوند . پس دور راه ، یکی تهیه وسایل اولیه ، و دوم تعلیم بچه‌ها در مدارس ، در اینمورد بجا کمک میکند .

روشگاه علم انسانی و مطالعات فرهنگی

خانم فاطمه طاهری - خانواده باید بر محور سهر و محبت بچرخد ، پدر و مادر باید با عشق واقعی زندگی کنند و فرزندان خود را نسبت به خود و جامعه خوشبین کنند . در کار مدرسه فرزندان دقت شود . معاشین مدرسه و خارج از مدرسه آنها مورد آزمایش قرار گیرند . در انتخاب کتبی که می‌خوانند آنها را رهبری کنیم . در رفتن سینما و دیدن فیلم بدون نشان دادن زور ، نظر خود را به آنها بقبولانیم ، پدر و مادر خانواده باید هر روز مدتی را برای مذاکره درباره‌ی امور مخصوصاً امور سیاسی و مملکتی صرف کنند . در نتیجه اگر کوچکترین فکر غلط تازه در فرزندان رخنه کرده باشد میتوان آن را با راهنمایی صحیح خارج کرد و پدر و مادر باید با فرزندان خود صریح ، بی رودریاستی و بی‌ریا باشند تا فرزندان چیزی را از آنها مستور ندارند . درباره کتبی که خوانده‌اید باید در کانون خانواده بحث شود تا جوانان تصور نکنند هر چیزی چاپ نشده است جنبه اصولی و قطعی دارد .

وقتی جوان وارد دانشگاه شد باید به او فهمانید که مهمترین وظیفه او درس خواندن است . باید تشخیص بدهد که کوتاهی در درس خواندن خیانت به جامعه است جوانی که از هوا ، آب و سایر نعمتهای این کشور استفاده میکند ، در برابر این نعمتها باید کار کند . کار او تحصیل است و بس : البته پس از فراغت از کار تحصیلی میتواند راجع به امور کشوری مطالعه و مذاکره کند . در دانشگاه استادان نه تنها باید درس بدهند ، بلکه باید وظیفه

ارشادی خود را نیز انجام دهند . بین استاد و دانشجو باید صمیمیت واقعی وجود داشته باشد .

استاد باید به مرتبه‌ای از اخلاق و دانش رسیده باشد که دانشجو مرید او شود . وقتی ارادت حاصل شد استاد میتواند رهبر خوبی برای دانشجو باشد و از سقوط او به پرتگاه خرابکاری و فساد جلوگیری کند .

محیط دانشگاه باید محیط آزادی باشد ، استاد نباید با زور خود را به دانشجو تحمیل کند ، بلکه به قوت دانش و اخلاق باید او را مطیع نماید . اگر استاد با دانش و فضائل اخلاقی همچون چراغی تابان برای دانشجو باشد ، دانشجو همچون پروانه بدور او خواهد گشت و از سوختن خود در راه او دریغ نخواهد کرد . اگر همه استادان نتوانند به این مرحله عالی خود را برسانند ، دست کم در هر دانشگاه باید چند نفر از این استادان وجود داشته باشند که بدون کبر و خودپسندی اوقات خود را وقف خدمت بدانش و دانشجو بنمایند .

در دانشگاه باید کارها را با مشارکت دانشجویان انجام داد و آنها را در مسئولیتهای مربوطه شرکت داد و جلسات بحث و مناظره درباره تمام موضوعها تشکیل داد و بدانشجویان فهماند که باید با آزادی اظهار عقیده کنند در این مباحثات آزاد به افکار و روحیات دانشجویان پی می‌بریم و اگر کسی در میان آنها لب پرتگاه باشد میتوان از سقوطش جلوگیری کرد . تشکیل جلسات بحث و گفتگو درباره امور وقتی توأم با آزادی فکر باشد از انحراف جوانان جلوگیری خواهد کرد .

دانشجوی جوان برای خود شخصیت قائل است و زیربار کبر و زورگویی نمی‌رود اکنون همه ما در یک گروه و یک حزب متشکل شده‌ایم . همه در برابر قانون و از لحاظ حقوق مساوی هستیم . بنابراین همه ما اجزائی از این ماشین اجتماع هستیم . ما این روش را پسندیده‌ایم و با این روش زندگی کرده و خواهیم کرد .

آقای شایسته - بنظر برعهده وزارت اطلاعات ، یا آموزش و پرورش است که از وجود دانشمندانی که هستند برای توجیه معلمان و دبیران در این زمینه‌ها استفاده کنند ، و معلمان هم در مدارس و استادان در دانشکده‌ها جوانان را راهنمایی کنند .

آقای فتح الله معتمدی - من خلاصه‌یی از آنچه گفته شد ، بیان می‌کنم : نخست باید بدانیم در طول ۵۰ سال گذشته ، بویژه در سالهای انقلاب شاه و ملت ، یکباره از قطب منفی به قطب مثبت رسیده‌ایم و با اینهمه پیشرفت ، البته این مسائل هم هست ، و ترس هم ندارد ، اما آنچه از صحبت‌های گفته شده استنباط کردم ، اینست که اولاً بایستی چشم و گوش بچه‌ها را

باز کرد و ترسید از اینکه بچه‌ها آثار مخرب را بخوانند ، اما البته در مقابل، لازمست آثار صحیح و سازنده دیگر را هم گذاشت که آنها را هم مطالعه کنند، که مسلماً آنوقت در مقام مقایسه ، آثار مخرب را بدور خواهند افکند .

توضیح در اینباره اینکه باید به بچه‌ها حتماً توجه شود ، زیرا الان نهال است . اگر از کود کستان شروع شود مفیدتر است . بزرگ‌ها را هم می‌توانیم رها کنیم ، زیرا ممکنست بر روی آنها هم خوب و بد تأثیر بگذارد .

این را هم فراموش نکنیم که مدارس از مسائل خشک حفظی و درسی بیرون بیاید و در کلاسها بحث و گفتگو شود . بخاطر دارم ، وقتی از مرحوم اقبال آشتیانی خواستم چیزی در دفتر من بنویسد ، نیت «نصیحت‌گو» یا جاهل است یا مغرض» . و در این زمینه ، درس کلاس بحث شد . احولاً در آن زمان در کلاسها مباحثات صورت می‌گرفت ، نه اینکه معلم بیاید فقط درس بدهد و همه چیز را به شاگرد تحمیل کند و شاگرد حق حرف زدن نداشته باشد . بهر صورت امیدواریم با این تغییر و تحولی که در همه زمینه‌ها در جهت پیشرفت صورت گرفته ، در آینده نزدیک به جایی برسیم که فرم مدرسه از اینصورت خارج شود و شاگرد را برای زندگی کردن آماده کنند . خوشبختانه مسئولان آموزش و پرورش به مطالب درست و قابل قبول توجه دارند . چنانکه وقتی در کنگره انجمن‌های خانه و مدرسه که سال گذشته بوسیله انجمن اولیا و مربیان برگزار شد ، بوسیله چند تن از شرکت‌کنندگان موضوع آموزش مسائل جنسی به بچه‌ها مطرح گردید ، وزارت آموزش و پرورش به این امر توجه نشان داد .

در خانه‌پدران و مادران باید مواظب معاشرت‌های فرزندان‌شان باشند، و گاه‌وبیگاه با آنها بطور دوستانه همصحبیت شوند و بحث و گفتگو کنند .

بهر حال ، بچه‌ها ، روی اعتقاد ثابت بدنبال مکتبی نمی‌روند ، بلکه به انگیزه‌مقدمه‌های روانی بدنبال در باغ سبز می‌روند و باید سعی کرد که این در ، بروی مملکت خودمان باز شود ، و راه آنهم گنجائیدن آموزش سیاسی در دروس مدارس ، و مواظبت پدران و مادران از فرزندان است .

نتیجه بطور خلاصه

- ۱ - آموزش سیاسی در برنامه‌های مدارس گنجانده شود - مکاتب سیاسی باکمال وضوح توجیه شود .
- ۲ - در خانواده ، پدران و مادران مراقب دوستان فرزندان خود باشند و گاه‌وبیگاه با آنها به بحث و گفتگو بپردازند .
- ۳ - امکانات را در حدود متعارف در اختیار بچه‌ها بگذارند .